

بررسی علل افت تحصیلی در مدارس و راههای کاهش آن (عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای)

محمد حیدری گوجانی^۱، محمد تقی احمدزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۷ آبان ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ماه ۱۴۰۴

چکیده

افت تحصیلی یکی از چالش‌های مهم نظام آموزشی است که می‌تواند پیامدهایی مانند کاهش کیفیت یادگیری، افت انگیزه تحصیلی و افزایش احتمال ترک تحصیل را به همراه داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان و تحلیل نقش عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای انجام شد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) بود. در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان، والدین و دانش‌آموزان گردآوری شد تا شاخص‌های اصلی مرتبط با افت تحصیلی شناسایی گردد. در مرحله کمی، پرسشنامه‌ای بر اساس یافته‌های مرحله کیفی طراحی و در میان ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس متوسطه توزیع شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. روایی ابزار با نظر خبرگان علوم تربیتی تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق آمار توصیفی و استنباطی شامل رگرسیون چندگانه، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس تحلیل گردید. همچنین داده‌های کیفی با روش تحلیل مضمون بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل خانوادگی بیشترین تأثیر را بر افت تحصیلی دارند؛ به‌گونه‌ای که مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت عاطفی والدین با ضریب بتای ۰.۴۲ بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. پس از آن، عوامل فردی مانند ضعف اعتماد به نفس و مشکلات روانی-رفتاری با ضریب بتای ۰.۳۱ قرار دارند و عوامل مدرسه‌ای از جمله روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی با ضریب بتای ۰.۲۸ در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. همچنین نتایج نشان داد میان دختران و پسران از نظر تأثیر عوامل فردی تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، تقویت همکاری میان خانواده و مدرسه، بهبود روش‌های تدریس و توجه به نیازهای روانی دانش‌آموزان می‌تواند در کاهش افت تحصیلی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: افت تحصیلی، عوامل خانوادگی، عوامل فردی، عوامل مدرسه‌ای، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

^۱ دکترای مدیریت دولتی، مدرس گروه مدیریت، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

Phd.pa.hrm@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

۱- مقدمه

افت تحصیلی و کاهش عملکرد آموزشی یکی از چالش‌های جدی نظام‌های آموزشی در سراسر جهان است. پژوهشگران متعددی از جمله (Duke (2008a, 2008b) و (Hochbein & Duke (2011) بر این نکته تأکید کرده‌اند که افول مدارس و کاهش کیفیت آموزشی، پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، سازمانی و اجتماعی قرار دارد. مطالعاتی مانند (Gorard, Taylor & Fitz (2002) نشان داده‌اند که حتی سیاست‌های کلان آموزشی مانند انتخاب مدرسه می‌تواند به ایجاد «ماریج‌های افول» منجر شود. در همین راستا، پژوهش‌های (Mthiyane et al. (2014) و (Mthiyane & Chiororo (2020) نیز با بررسی مدارس آفریقای جنوبی و زیمبابوه، علل افول مدارس را در ضعف رهبری آموزشی، کمبود منابع و مشکلات مدیریتی جستجو کرده‌اند. با وجود تلاش‌های گسترده برای ارتقای کیفیت آموزشی، افت تحصیلی همچنان به‌عنوان یک معضل جهانی مطرح است. تغییرات جمعیتی و اجتماعی (Hochbein & Duke (2011)، کاهش انگیزش معلمان (Mbokazi & Lebeloane, 2022)، و ضعف در نظام‌های حمایتی آموزشی (Dambuzza, 2015)؛ (Kempen & Steyn, 2017) از جمله عواملی هستند که به کاهش کیفیت یادگیری دانش‌آموزان منجر می‌شوند. همچنین، مطالعاتی مانند (Rani & Akmam (2023) نشان داده‌اند که عوامل جنسیتی و اجتماعی می‌توانند ترک تحصیل دختران را در مقاطع متوسطه تشدید کنند. این شواهد نشان می‌دهد که افت تحصیلی نه تنها یک مسئله آموزشی، بلکه یک چالش اجتماعی و اقتصادی نیز هست که پیامدهای گسترده‌ای بر آینده دانش‌آموزان و جامعه دارد. ضرورت انجام پژوهش در این حوزه از چند منظر قابل توجه است: بعد علمی: همان‌طور که (Hallinger & Creswell (2023) (2017) اشاره کرده‌اند، بررسی افت تحصیلی نیازمند رویکردهای ترکیبی و استفاده از روش‌های کیفی و کمی است. بهره‌گیری از ابزارهایی مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (Adeoye-Olatunde & Olenik, 2021) و نمونه‌گیری هدفمند (Campbell et al., 2020) می‌تواند به درک عمیق‌تر این پدیده کمک کند. بعد اجتماعی: افت تحصیلی موجب کاهش سرمایه انسانی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. مطالعات (Weitzel & Jonsson (1989) نشان داده‌اند که افول سازمان‌ها و نهادها، در صورت عدم مداخله، می‌تواند به بحران‌های گسترده‌تر منجر شود؛ مدارس نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بعد کاربردی: نتایج پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس و خانواده‌ها کمک کند تا راهکارهای مؤثر برای کاهش افت تحصیلی و ارتقای کیفیت آموزشی طراحی و اجرا کنند.

مبانی نظری به‌عنوان چارچوب فکری و علمی پژوهش، نقش مهمی در تبیین و جهت‌دهی به مطالعه دارد. در موضوع افت تحصیلی، نظریه‌های مختلف در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت آموزشی به ما کمک می‌کنند تا عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای را بهتر درک کنیم.

۱. مبانی روان‌شناختی

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۱: این نظریه بر نقش مشاهده و الگوبرداری در یادگیری تأکید دارد. در زمینه افت تحصیلی، نبود الگوهای مثبت در خانواده یا مدرسه می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را کاهش دهد.

¹ Social Learning Theory

نظریه انگیزش خودتعیین‌گری^۱ : دسی و رایان بیان می‌کنند که نیازهای روان‌شناختی اساسی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی هستند. اگر این نیازها در محیط خانواده یا مدرسه برآورده نشوند، افت تحصیلی رخ می‌دهد.

نظریه اضطراب امتحان^۲ : بر اساس این نظریه، اضطراب بیش از حد می‌تواند عملکرد شناختی دانش‌آموزان را مختل کند و به افت تحصیلی منجر شود.

۲. مبانی جامعه‌شناختی

نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو^۳ : بوردیو معتقد است که خانواده‌ها با سرمایه فرهنگی متفاوت (مانند سطح تحصیلات والدین، دسترسی به منابع آموزشی (فرصت‌های نابرابری برای فرزندان ایجاد می‌کنند. این نابرابری‌ها می‌تواند به افت تحصیلی منجر شود.

نظریه کارکردگرایی پارسونز^۴ : مدرسه به‌عنوان نهادی اجتماعی وظیفه انتقال ارزش‌ها و مهارت‌ها را دارد. ضعف در انجام این وظیفه می‌تواند به کاهش کیفیت آموزشی و افت تحصیلی منجر شود.

نظریه ماریپیچ افول مدارس^۵ : همان‌طور که Gorard, Taylor & Fitz (2002) مطرح کرده‌اند، انتخاب مدرسه و مهاجرت دانش‌آموزان می‌تواند مدارس ضعیف‌تر را در چرخه‌ای از افول قرار دهد.

۳. مبانی مدیریت آموزشی

نظریه رهبری آموزشی^۶ : بر اساس دیدگاه Hallinger و همکاران، نقش مدیران و مشاوران آموزشی در هدایت و حمایت معلمان حیاتی است. ضعف در رهبری آموزشی یکی از عوامل اصلی افت مدارس است

(Dambuzza, 2015)؛ (Mthiyane et al., 2014).

نظریه افول سازمانی^۷ Weitzel & Jonsson (1989) بیان می‌کنند که سازمان‌ها در صورت عدم نوآوری و مدیریت کارآمد، وارد چرخه افول می‌شوند. مدارس نیز به‌عنوان سازمان‌های آموزشی مشمول این قاعده هستند.

نظریه یادگیری مشارکتی معلمان^۸ : Kempen & Steyn (2017) نشان داده‌اند که همکاری میان معلمان در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای می‌تواند کیفیت تدریس و عملکرد دانش‌آموزان را ارتقا دهد.

مبانی نظری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افت تحصیلی نتیجه تعامل پیچیده میان عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مدیریتی است. خانواده‌ها با سرمایه فرهنگی و حمایت عاطفی خود، مدارس با کیفیت رهبری

¹ Self-Determination Theory

² Test Anxiety Theory

³ Cultural Capital Theory

⁴ Functionalism

⁵ Spirals of Decline

⁶ Instructional Leadership

⁷ Organizational Decline Theory

⁸ Collaborative Teacher Learning

و امکانات آموزشی، و دانش‌آموزان با ویژگی‌های فردی و روانی، همگی در شکل‌گیری یا کاهش افت تحصیلی نقش دارند. این چارچوب نظری مسیر پژوهش را روشن می‌سازد و مبنایی برای آزمون فرضیه‌ها فراهم می‌کند. افت تحصیلی افت تحصیلی به معنای کاهش محسوس در عملکرد آموزشی دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌ها و ظرفیت واقعی آنان است. این مفهوم نه تنها شامل کاهش نمرات و معدل، بلکه کاهش انگیزه، ضعف در یادگیری، افزایش مردودی، ترک تحصیل و حتی کاهش مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و فوق‌برنامه را نیز در بر می‌گیرد. افت تحصیلی می‌تواند ناشی از عوامل فردی مانند اضطراب و بی‌انگیزگی، عوامل خانوادگی مانند مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت عاطفی، و عوامل مدرسه‌ای مانند کیفیت پایین تدریس و کمبود امکانات آموزشی باشد.

عوامل خانوادگی عوامل خانوادگی شامل مجموعه شرایط و ویژگی‌های مربوط به خانواده دانش‌آموز است که می‌تواند بر موفقیت یا شکست تحصیلی او اثرگذار باشد. وضعیت اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات والدین، میزان حمایت عاطفی، نظارت آموزشی، روابط خانوادگی و ثبات روانی-اجتماعی خانواده از جمله این عوامل هستند. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و انگیزه‌های تحصیلی فرزندان دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خانواده‌های با حمایت عاطفی و اقتصادی مناسب، فرزندان را با عملکرد تحصیلی بهتر دارند، در حالی که مشکلات اقتصادی و بی‌توجهی والدین می‌تواند افت تحصیلی را تشدید کند.

عوامل فردی عوامل فردی به ویژگی‌های شخصیتی، روانی و رفتاری دانش‌آموزان اشاره دارد. اعتماد به نفس، انگیزه، اضطراب امتحان، مهارت‌های مطالعه، خودنظم‌دهی، توانایی مدیریت زمان و سلامت روانی از جمله این عوامل هستند. دانش‌آموزانی که اعتماد به نفس بالاتری دارند و از مهارت‌های مطالعه مؤثر برخوردارند، معمولاً عملکرد تحصیلی بهتری نشان می‌دهند. در مقابل، اضطراب امتحان، بی‌انگیزگی و ضعف در مدیریت زمان می‌تواند به افت تحصیلی منجر شود. این عوامل فردی اغلب تحت تأثیر خانواده و مدرسه نیز قرار می‌گیرند و تعامل میان آن‌ها اهمیت زیادی دارد.

عوامل مدرسه‌ای عوامل مدرسه‌ای شامل شرایط و امکانات مدرسه، روش‌های تدریس معلمان، کیفیت مدیریت آموزشی، جو کلاس، دسترسی به منابع آموزشی و فناوری، و روابط میان معلمان و دانش‌آموزان است. مدرسه به‌عنوان محیط یادگیری رسمی، نقش مهمی در موفقیت یا شکست تحصیلی دانش‌آموزان دارد. روش‌های تدریس سنتی و غیرجذاب، کمبود امکانات آموزشی مانند کتابخانه و آزمایشگاه، ضعف در مدیریت مدرسه و نبود برنامه‌های حمایتی می‌تواند افت تحصیلی را افزایش دهد. در مقابل، مدارس مجهز با روش‌های نوین آموزشی و مدیریت کارآمد می‌توانند انگیزه و عملکرد دانش‌آموزان را ارتقا دهند.

راهکارهای کاهش افت تحصیلی راهکارهای کاهش افت تحصیلی مجموعه اقداماتی هستند که با هدف بهبود عملکرد دانش‌آموزان و کاهش عوامل منفی طراحی می‌شوند. این راهکارها می‌توانند در سه سطح خانواده، فرد و مدرسه اجرا شوند. در سطح خانواده، حمایت عاطفی و اقتصادی، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه و ایجاد محیطی پایدار و امن اهمیت دارد. در سطح فردی، آموزش مهارت‌های مطالعه، مدیریت زمان، مشاوره روان‌شناختی و تقویت اعتماد به نفس دانش‌آموزان ضروری است. در سطح مدرسه‌ای، بازنگری در روش‌های

تدریس، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی، تجهیز مدارس به امکانات آموزشی و ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی از جمله راهکارهای مؤثر هستند.

۲- پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات جامع دوک (Duke, 2008) در دو اثر محوری "تشخیص افول مدرسه" و "درک افول مدرسه"، این پدیده نباید صرفاً از یک منظر نگریسته شود. وی معتقد است افت عملکرد مدارس پدیده‌ای چندبعدی است که در سه حوزه اصلی ریشه دارد:

عوامل مدیریتی: ضعف در رهبری آموزشی، عدم ثبات در تصمیم‌گیری و ناتوانی در مدیریت منابع.

عوامل اجتماعی: تغییر در نگرش جامعه نسبت به مدرسه و کاهش حمایت‌های محیطی.

عوامل آموزشی: افت کیفیت تدریس، کاهش انگیزه معلمان و به‌روز نبودن متدهای یادگیری.

مطالعات منطقه‌ای نیز شواهد مهمی در این زمینه ارائه کرده‌اند Mthiyane و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی مدارس آفریقای جنوبی، ضعف رهبری آموزشی، کمبود منابع و مشکلات مدیریتی را از مهم‌ترین علل افت تحصیلی معرفی کردند. در ادامه، Mthiyane و Chiororo (2020) با مطالعه دو مدرسه در زیمبابوه، نشان دادند که افول مدارس ناشی از ترکیب عوامل ساختاری و مدیریتی است. از سوی دیگر، Mbokazi و Lebeloane (2022) کاهش تعداد معلمان علوم کشاورزی در مدارس آفریقای جنوبی را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که کمبود نیروی انسانی متخصص می‌تواند به افت کیفیت آموزشی منجر شود. همچنین Kempen و Steyn (2017) اهمیت یادگیری مشارکتی معلمان در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را مورد توجه قرار داده و بیان کردند که همکاری میان معلمان می‌تواند کیفیت تدریس و در نتیجه عملکرد دانش‌آموزان را ارتقا دهد.

در حوزه اجتماعی و جنسیتی نیز مطالعاتی مانند پژوهش Rani و Akmam (2023) در بنگلادش نشان داده‌اند که عوامل خانوادگی و اجتماعی همچون فقر، ازدواج زود هنگام و کمبود حمایت آموزشی از دلایل اصلی ترک تحصیل دختران در مقاطع متوسطه هستند. این یافته‌ها بیانگر آن است که افت تحصیلی تنها یک مسئله آموزشی نیست، بلکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای دارد.

در مجموع، مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که افت تحصیلی تحت تأثیر سه دسته عوامل اصلی قرار دارد: خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای. خانواده‌هایی که حمایت عاطفی و اقتصادی کافی ارائه نمی‌دهند، دانش‌آموزانی با مشکلات روانی-رفتاری و ضعف مهارت‌های مطالعه، و مدارس با روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی، همگی در بروز افت تحصیلی نقش دارند. این شواهد ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد؛ زیرا با وجود شناسایی عوامل متعدد، هنوز نیاز به بررسی جامع و ارائه راهکارهای کاربردی برای کاهش افت تحصیلی در مدارس وجود دارد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان و آزمون فرضیه‌های مطرح‌شده، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) استفاده کرده است. در مرحله نخست، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان، والدین و دانش‌آموزان گردآوری شد تا شاخص‌های اصلی عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای شناسایی شوند. سپس در مرحله کمی، پرسشنامه‌ای بر اساس یافته‌های کیفی طراحی و در میان دانش‌آموزان مدارس متوسطه منطقه مورد مطالعه توزیع گردید. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان، والدین و معلمان بود و نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای برای دانش‌آموزان و هدفمند برای مصاحبه‌شوندگان انجام شد. حجم نمونه کمی حدود ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد تا توان آماری کافی برای آزمون فرضیه‌ها فراهم شود. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. پرسشنامه سه بخش اصلی داشت: عوامل خانوادگی (مانند حمایت عاطفی و اقتصادی والدین)، عوامل فردی (مانند اعتماد به نفس و مهارت‌های مطالعه)، و عوامل مدرسه‌ای (مانند روش‌های تدریس و امکانات آموزشی) برای سنجش افت تحصیلی نیز از شاخص ترکیبی شامل معدل، روند تغییر نمرات و میزان غیبت دانش‌آموزان استفاده شد. روایی پرسشنامه با نظر خبرگان علوم تربیتی و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ تأیید گردید. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. در بخش توصیفی، میانگین، انحراف معیار و درصد فراوانی محاسبه شد. در بخش استنباطی، برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندگانه، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده گردید. همچنین داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون بررسی شدند تا مضامین اصلی استخراج و با نتایج کمی تلفیق شوند. رعایت اصول اخلاقی پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، حفظ محرمانگی اطلاعات و امکان انصراف آزادانه از مطالعه نیز در تمامی مراحل مدنظر قرار گرفت.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اول: عوامل خانوادگی-این فرضیه بر نقش خانواده در افت تحصیلی تمرکز دارد. حمایت عاطفی و اقتصادی خانواده می‌تواند به‌طور مستقیم بر انگیزه و عملکرد دانش‌آموزان اثرگذار باشد.

جدول ۱. فرضیه اول (خانوادگی)

شاخص خانوادگی	درصد موافق	میانگین نمره (از ۵)	ضریب بتا (β)	سطح معناداری
مشکلات اقتصادی خانواده	٪۶۵	۳.۹	۰.۴۲	۰.۰۰۰
کمبود حمایت عاطفی والدین	٪۵۸	—	—	۰.۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت عاطفی خانواده بیشترین تأثیر را بر افت تحصیلی دارند. ضریب بتا ۰.۴۲ بیانگر قدرت بالای این رابطه است.

فرضیه دوم: عوامل فردی-این فرضیه بر ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان مانند اعتماد به نفس و مهارت‌های مطالعه تمرکز دارد.

جدول ۲. فرضیه دوم (فردی)

شاخص فردی	درصد موافق	میانگین نمره (از ۵)	ضریب بتا (β)	سطح معناداری
ضعف اعتماد به نفس	٪۴۷	۳.۴	۰.۳۱	۰.۰۰۰
مشکلات روانی-رفتاری اضطراب	٪۴۲	—	—	۰.۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که ضعف اعتماد به نفس و مشکلات روانی-رفتاری با افت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارند. ضریب بتا ۰.۳۱ نشان‌دهنده اثر متوسط این عوامل است. فرضیه سوم: عوامل مدرسه‌ای-این فرضیه بر نقش مدرسه، روش‌های تدریس و امکانات آموزشی در افت تحصیلی تمرکز دارد.

جدول ۳. فرضیه سوم (مدرسه‌ای)

شاخص	درصد موافق	میانگین نمره از ۵	ضریب بتا (β)	سطح معناداری
روش‌های تدریس سنتی	٪۵۵	۳.۶	۰.۲۸	۰.۰۰۰
کمبود امکانات آموزشی	٪۴۹	—	—	۰.۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی با افت تحصیلی رابطه معناداری دارند، هرچند شدت اثر آن‌ها کمتر از عوامل خانوادگی و فردی است. فرضیه چهارم: مقایسه عوامل-این فرضیه به مقایسه میزان تأثیر سه دسته عوامل (خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای) می‌پردازد.

جدول ۴. فرضیه چهارم (مقایسه‌ای)

دسته عوامل	میانگین نمره از ۵	ضریب بتا (β)
خانوادگی	۳.۹	۰.۴۲
فردی	۳.۴	۰.۳۱
مدرسه‌ای	۳.۶	۰.۲۸

نتایج نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی بیشترین تأثیر را بر افت تحصیلی دارند، سپس عوامل مدرسه‌ای و در نهایت عوامل فردی. فرضیه پنجم: تفاوت جنسیتی-این فرضیه به بررسی تفاوت میان دختران و پسران در تأثیر عوامل فردی بر افت تحصیلی می‌پردازد.

جدول ۵. فرضیه پنجم (جنسیتی)

گروه	میانگین نمره عوامل فردی	آماره F	سطح معناداری (P)
دختران	۳.۶	۴.۷۳	۰.۰۰۰
پسران	۳.۲	—	۰.۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که دختران بیشتر از پسران تحت تأثیر عوامل فردی مانند اعتماد به نفس و اضطراب تحصیلی قرار دارند. این تفاوت از نظر آماری معنادار بوده و اهمیت توجه به جنسیت در برنامه‌های آموزشی را نشان می‌دهد. مبانی نظری پژوهش حاضر بر پایه دیدگاه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت آموزشی شکل گرفته است و تلاش دارد ابعاد مختلف افت تحصیلی را توضیح دهد.

افت تحصیلی به‌عنوان یک پدیده چندبعدی، نیازمند بررسی از منظرهای گوناگون است تا بتوان عوامل مؤثر بر آن را شناسایی و راهکارهای کاهش آن را ارائه کرد.

در حوزه روان‌شناسی، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا تأکید دارد که دانش‌آموزان از طریق مشاهده و الگوبرداری یاد می‌گیرند و نبود الگوهای مثبت می‌تواند به افت تحصیلی منجر شود.

نظریه انگیزش خودتعیین‌گری دسی و رایان بیان می‌کند که نیازهای روانی اساسی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی هستند و عدم تأمین این نیازها افت تحصیلی را افزایش می‌دهد.

اضطراب امتحان یکی از عوامل فردی مهم است که بر اساس نظریه اضطراب امتحان، عملکرد شناختی دانش‌آموزان را مختل کرده و موجب کاهش موفقیت تحصیلی می‌شود.

از منظر جامعه‌شناسی، نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو نشان می‌دهد که خانواده‌ها با سرمایه فرهنگی متفاوت فرصت‌های نابرابری برای فرزندان ایجاد می‌کنند و این نابرابری‌ها افت تحصیلی را تشدید می‌کند.

نظریه کارکردگرایی پارسونز مدرسه را نهادی اجتماعی می‌داند که وظیفه انتقال ارزش‌ها و مهارت‌ها را دارد و ضعف در این وظیفه به افت تحصیلی منجر می‌شود.

پژوهش نشان داد که سیاست‌های انتخاب مدرسه می‌تواند مدارس ضعیف‌تر را در چرخه‌ای از افول قرار دهد و کیفیت آموزشی را کاهش دهد.

در حوزه مدیریت آموزشی، نظریه رهبری آموزشی بر نقش مدیران و مشاوران در هدایت معلمان تأکید دارد و ضعف در این رهبری یکی از عوامل اصلی افت مدارس است.

در نظریه افول سازمانی بیان می‌کنند که سازمان‌ها در صورت عدم نوآوری وارد چرخه افول می‌شوند و مدارس نیز مشمول این قاعده هستند.

اهمیت یادگیری مشارکتی معلمان را نشان داده‌اند و بیان کرده‌اند که همکاری میان معلمان کیفیت تدریس و عملکرد دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد.

مطالعات بر مفهوم افول مدارس تأکید کرده و نشان داده‌اند که افت تحصیلی نتیجه ترکیب عوامل مدیریتی، اجتماعی و آموزشی است.

با بررسی تغییرات جمعیتی مدارس ابتدایی ارتباط میان تغییر ترکیب دانش‌آموزان و کاهش عملکرد تحصیلی را آشکار کردند.

ر آفریقایی جنوبی ضعف رهبری آموزشی و کمبود منابع را از مهم‌ترین علل افت تحصیلی معرفی کردند.

مطالعات در زیمبابوه نیز نشان دادند که افول مدارس ناشی از ترکیب عوامل ساختاری و مدیریتی است. کاهش تعداد معلمان علوم کشاورزی را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که کمبود نیروی انسانی متخصص افت کیفیت آموزشی را افزایش می‌دهد. در بنگلادش نشان دادند که عوامل اجتماعی مانند فقر و ازدواج زودهنگام ترک تحصیل دختران را تشدید می‌کند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که افت تحصیلی تنها یک مسئله آموزشی نیست بلکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای دارد.

از منظر روان‌شناسی تربیتی، نظریه‌های انگیزشی بر اهمیت تقویت خودکارآمدی دانش‌آموزان تأکید دارند. خودکارآمدی پایین موجب کاهش تلاش و افزایش احتمال شکست تحصیلی می‌شود. نظریه یادگیری شناختی بر نقش پردازش اطلاعات در موفقیت تحصیلی تأکید دارد و ضعف در این پردازش افت تحصیلی را افزایش می‌دهد.

نظریه یادگیری سازنده‌گرایی بیان می‌کند که دانش‌آموزان باید فعالانه در فرآیند یادگیری مشارکت کنند و نبود این مشارکت افت تحصیلی را تشدید می‌کند.

از منظر جامعه‌شناسی، نظریه تضاد بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان عامل افت تحصیلی تأکید دارد.

دانش‌آموزان طبقات پایین اجتماعی بیشتر در معرض افت تحصیلی قرار دارند.

نظریه تعامل‌گرایی نمادین بر نقش تعاملات روزمره در مدرسه تأکید دارد و روابط ضعیف میان معلم و دانش‌آموز افت تحصیلی را افزایش می‌دهد.

در حوزه مدیریت آموزشی، نظریه یادگیری سازمانی بیان می‌کند که مدارس باید به‌طور مستمر یادگیری و نوآوری داشته باشند تا از افول جلوگیری شود. مدارس ناکارآمدی که نوآوری ندارند بیشتر در معرض افت تحصیلی قرار می‌گیرند.

نظریه کیفیت جامع آموزشی بر اهمیت مشارکت همه ذی‌نفعان در ارتقای کیفیت آموزش تأکید دارد. این نظریه بیان می‌کند که خانواده، مدرسه و جامعه باید هم‌زمان در کاهش افت تحصیلی نقش ایفا کنند. مطالعات بر اهمیت روش‌های پژوهش کیفی در درک علل افت تحصیلی تأکید کرده‌اند. روش‌های کیفی مانند مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌توانند دیدگاه‌های عمیق‌تری از معلمان و والدین ارائه دهند. بر پیچیدگی نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش‌های آموزشی تأکید کرده‌اند.

این روش امکان بررسی دقیق گروه‌های خاص دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. بر اهمیت ترکیب روش‌های کیفی و کمی در پژوهش‌های آموزشی تأکید کرده‌اند. این ترکیب می‌تواند تصویر جامع‌تری از عوامل افت تحصیلی ارائه دهد. در مرور پژوهش‌های آموزشی نشان داده است که مطالعات گسترده در این حوزه بر اهمیت رهبری آموزشی و کیفیت مدرسه تأکید دارند. این مرور بیانگر آن است که افت تحصیلی یک مسئله جهانی

است که نیازمند توجه جدی پژوهشگران و سیاست‌گذاران است. در نهایت، مبنای نظری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افت تحصیلی نتیجه تعامل پیچیده میان عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مدیریتی است.

۵- نتیجه گیری

بررسی انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که افت تحصیلی دانش‌آموزان پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای قرار دارد. داده‌های گردآوری‌شده از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌وضوح بیانگر آن بود که عوامل خانوادگی بیشترین نقش را در افت تحصیلی ایفا می‌کنند. مشکلات اقتصادی خانواده، کمبود حمایت عاطفی و نبود نظارت کافی والدین، از مهم‌ترین دلایل کاهش انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بودند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات پیشین هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر موفقیت یا شکست تحصیلی فرزندان دارد.

در سطح فردی، ضعف اعتماد به نفس، اضطراب امتحان و کمبود مهارت‌های مطالعه از جمله عواملی بودند که رابطه مثبت و معناداری با افت تحصیلی داشتند. هرچند شدت اثر این عوامل کمتر از عوامل خانوادگی بود، اما نمی‌توان نقش آن‌ها را نادیده گرفت. این نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان برای موفقیت تحصیلی نیازمند تقویت مهارت‌های فردی و روانی هستند و برنامه‌های آموزشی باید به پرورش توانایی‌های خودنظم‌دهی، مدیریت زمان و مقابله با اضطراب توجه ویژه داشته باشند.

در سطح مدرسه‌ای نیز مشخص شد که روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی، از جمله کتابخانه و آزمایشگاه، تأثیر قابل توجهی بر افت تحصیلی دارند. هرچند شدت اثر این عوامل نسبت به خانوادگی و فردی کمتر بود، اما همچنان نقش مهمی در کیفیت یادگیری ایفا می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مدارس باید به‌روز شوند، از فناوری‌های نوین آموزشی بهره بگیرند و محیط یادگیری جذاب‌تر و کارآمدتری برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

از سوی دیگر، نتایج آزمون‌های مقایسه‌ای نشان داد که عوامل خانوادگی نسبت به فردی و مدرسه‌ای تأثیر بیشتری بر افت تحصیلی دارند. این امر بیانگر آن است که هرگونه برنامه‌ریزی برای کاهش افت تحصیلی باید ابتدا بر خانواده‌ها متمرکز شود و سپس به تقویت عوامل فردی و مدرسه‌ای پرداخته شود. همچنین تفاوت‌های جنسیتی در تأثیر عوامل فردی آشکار شد؛ دختران بیشتر از پسران مشکلاتی مانند اضطراب و ضعف اعتماد به نفس را گزارش کردند. این یافته اهمیت توجه به جنسیت در طراحی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای را برجسته می‌کند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افت تحصیلی یک مسئله چندلایه است که نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ میان خانواده، مدرسه و خود دانش‌آموزان است. برای کاهش این پدیده، باید سیاست‌های حمایتی خانواده‌ها تقویت شود، مدارس به امکانات و روش‌های نوین آموزشی مجهز گردند و دانش‌آموزان از طریق برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی توانمند شوند. تنها با چنین رویکردی می‌توان به بهبود کیفیت آموزشی و ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموزان دست یافت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که افت تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر سه دسته عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای قرار دارد. نتایج کمی و کیفی بیانگر آن بود که عوامل خانوادگی بیشترین نقش را در افت تحصیلی ایفا می‌کنند؛ مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت عاطفی والدین به‌طور مستقیم بر انگیزه و عملکرد دانش‌آموزان اثرگذار بوده است. این نتیجه با مطالعات (Duke (2008a, 2008b هم‌خوانی دارد که افول مدارس را ناشی از ضعف در حمایت‌های اجتماعی و مدیریتی می‌دانستند، و همچنین با یافته‌های Mthiyane et al. (2014) که نقش خانواده و رهبری آموزشی ناکارآمد را در افت مدارس آفریقای جنوبی برجسته کردند. در سطح فردی، ضعف اعتماد به نفس، اضطراب امتحان و کمبود مهارت‌های مطالعه از جمله عواملی بودند که رابطه مثبت و معناداری با افت تحصیلی داشتند. این یافته‌ها با نتایج Hochbein & Duke (2011) هم‌راستا است که تغییرات جمعیتی و روانی دانش‌آموزان را عامل افت عملکرد معرفی کردند. همچنین (Rani & Akmam (2023 نشان داده‌اند که عوامل فردی و اجتماعی مانند اضطراب و فشارهای جنسیتی می‌توانند ترک تحصیل دختران را تشدید کنند؛ یافته‌ای که در پژوهش حاضر نیز با تفاوت میان دختران و پسران در عوامل فردی تأیید شد. در سطح مدرسه‌ای، روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی از جمله کتابخانه و آزمایشگاه، تأثیر قابل توجهی بر افت تحصیلی داشتند. این نتیجه با پژوهش (Gorard, Taylor & Fitz (2002 هم‌خوانی دارد که نشان دادند سیاست‌های آموزشی و کیفیت مدرسه می‌تواند به ایجاد ماریج‌های افول منجر شود. همچنین (Kempen & Steyn (2017 بر اهمیت یادگیری مشارکتی معلمان در ارتقای کیفیت تدریس تأکید کرده‌اند؛ موضوعی که در یافته‌های کیفی این پژوهش نیز منعکس شد.

در مجموع، نتایج این پژوهش با پیشینه مطالعاتی موجود هم‌راستا است و نشان می‌دهد که افت تحصیلی یک پدیده چندلایه است که نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ میان خانواده، مدرسه و خود دانش‌آموزان است. همان‌طور که (Weitzel & Jonsson (1989 در بحث افول سازمان‌ها بیان کرده‌اند، اگر عوامل مؤثر بر افت به‌موقع شناسایی و مدیریت نشوند، می‌توانند به بحران‌های گسترده‌تر منجر شوند. بنابراین، برای کاهش افت تحصیلی باید سیاست‌های حمایتی خانواده‌ها تقویت شود، مدارس به امکانات و روش‌های نوین آموزشی مجهز گردند و دانش‌آموزان از طریق برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی توانمند شوند. تنها با چنین رویکردی می‌توان به بهبود کیفیت آموزشی و ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموزان دست یافت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که افت تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر سه دسته عوامل خانوادگی، فردی و مدرسه‌ای قرار دارد. نتایج کمی و کیفی بیانگر آن بود که عوامل خانوادگی بیشترین نقش را در افت تحصیلی ایفا می‌کنند؛ مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت عاطفی والدین به‌طور مستقیم بر انگیزه و عملکرد دانش‌آموزان اثرگذار بوده است. این نتیجه با مطالعات (Duke (2008a, 2008b و Mthiyane et al. (2014 هم‌خوانی دارد که نقش خانواده و رهبری آموزشی ناکارآمد را در افول مدارس برجسته کرده‌اند. در سطح فردی، ضعف اعتماد به نفس و اضطراب امتحان از جمله عواملی بودند که رابطه مثبت و معناداری با افت تحصیلی داشتند؛ یافته‌ای که با پژوهش (Rani & Akmam & Hochbein & Duke (2011

(2023) هم‌راستا است. در سطح مدرسه‌ای نیز روش‌های تدریس سنتی و کمبود امکانات آموزشی تأثیر قابل توجهی داشتند؛ موضوعی که Gorard, Taylor & Fitz (2002) و Kempen & Steyn (2017) نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

این نتایج نشان می‌دهد که افت تحصیلی یک پدیده چندلایه است و برای کاهش آن باید رویکردی جامع اتخاذ شود. بر اساس یافته‌ها و پیشینه، پیشنهاد‌های اجرایی زیر ارائه می‌شود:

۱. برای خانواده‌ها

تقویت حمایت عاطفی و روانی از دانش‌آموزان از طریق گفت‌وگو و همراهی در فرآیند یادگیری.

ایجاد محیطی پایدار و امن در خانه برای کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی.

مشارکت فعال والدین در فعالیت‌های مدرسه و نظارت بر روند آموزشی فرزندان.

۲. برای مدارس و معلمان

بازنگری در روش‌های تدریس سنتی و استفاده از رویکردهای نوین آموزشی مبتنی بر فناوری.

فراهم‌سازی امکانات آموزشی مانند کتابخانه، آزمایشگاه و ابزارهای دیجیتال برای ارتقای کیفیت یادگیری.

برگزاری دوره‌های توانمندسازی معلمان در زمینه یادگیری مشارکتی و روش‌های تدریس فعال.

۳. برای سیاست‌گذاران آموزشی

طراحی برنامه‌های حمایتی ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد به منظور کاهش فشار اقتصادی بر دانش‌آموزان.

تخصیص بودجه کافی برای تجهیز مدارس و ارتقای زیرساخت‌های آموزشی.

تدوین سیاست‌های آموزشی حساس به جنسیت برای کاهش شکاف میان دختران و پسران در عوامل فردی

مانند اعتماد به نفس و اضطراب تحصیلی.

منابع

- Duke, D. L. (2008a). The challenges of school decline: Problems and promises. *Phi Delta Kappan*, 90(3), 224–232.
- Duke, D. L. (2008b). *Turning around failing schools*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Hochbein, C., & Duke, D. L. (2011). The challenges of school decline: A principal's perspective. *Leadership and Policy in Schools*, 10(4), 379–399.
- Mthiyane, S. E., Bhengu, T. T., & Bayeni, S. D. (2014). The causes of school decline: Voices of school principals and circuit managers in KwaZulu-Natal, South Africa. *Journal of Social Sciences*, 41(2), 295–304.
- Mthiyane, S. E., & Chiororo, F. (2019). Chronicling the causes of school decline: The case of two Zimbabwean schools. *Africa Education Review*, 16(1), 1–15.
- Gorard, S., Taylor, C., & Fitz, J. (2002). Does school choice lead to “spirals of decline”? *Journal of Education Policy*, 17(3), 367–384.
- Kempen, L., & Steyn, T. (2017). Teachers' collaborative learning in South African schools: A strategy for school improvement. *South African Journal of Education*, 37(2), 1–11.

- Weitzel, W., & Jonsson, E. (1989). Decline in organizations: A literature integration and extension. *Administrative Science Quarterly*, 34(1), 91–109.
- Rani, S., & Akmam, W. (2023). Socio-cultural factors influencing girls' dropout in Bangladesh. *International Journal of Educational Development*, 98, 102–118.
- Wijsman, L. A., Warrens, M. J., Saab, N., van Driel, J. H., & Westenberg, P. M. (2016). Declining trends in student performance in lower secondary education. *European Journal of Psychology of Education*, 31(4), 595–612.

Investigating the causes of academic failure in schools and ways to reduce it (family-individual-school factors)

Mohammad Heidari Goujani¹, Mohammad Taghi Ahmad Zadeh²

Abstract

The purpose of this study is to investigate the causes of academic decline among students in schools and to propose strategies for its reduction, focusing on family, individual, and school-related factors. Academic decline is considered one of the major challenges of educational systems, leading to negative consequences such as reduced motivation, poor learning outcomes, and increased dropout rates. Using a descriptive-analytical approach, data were collected from students, parents, and teachers to identify the most influential factors. The findings revealed that family-related issues such as lack of emotional support, economic difficulties, and insufficient parental supervision, individual factors including low self-confidence, behavioral or psychological problems, and poor study skills, as well as school-related factors such as ineffective teaching methods, inadequate educational facilities, and weak teacher-student relationships, all contribute significantly to academic decline. The study further emphasizes that strengthening family-school cooperation, improving teaching practices, addressing individual student needs, and creating a supportive and motivating learning environment can effectively reduce academic decline and enhance educational performance.

Keywords: Academic Decline, Family Factors, Individual Factors, School Factors, Educational Strategies

¹ PhD in Public Administration, Lecturer, Department of Management, Shahre-kord Branch, Islamic Azad University, Shahre-kord, Iran Phd.pa.hrm@gmail.com

² Master's degree student in Public Administration, Shahre-kord Branch, Islamic Azad University, Shahre-kord, Iran